

## چالش‌های تئاتر کودک در بستر سیستم آموزشی کشور

زهره نصرت پور

دانشجوی کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش، دانشگاه غیرانتفاعی نبی اکرم تبریز، ۰۹۱۴۵۶۱۲۴۹۸

### چکیده

امروزه تصاویر دیداری، بصری و نمایشی نظیر تئاتر، در افزایش مهارت‌های اجتماعی و بهبود عملکرد یادگیری کودکان اثربخش است. از طرفی با وجود اینکه تئاتر کودک و نوجوان مقوله بسیار مهمی به لحاظ پرورش این رده سنی است و از اهمیت بسزایی در رشد و آموزش فرزندان برخوردار است؛ اما متأسفانه توجه چندانی به آن نشده و در واقع نادیده انگاشته شده است. لذا هدف این تحقیق بررسی چالش‌های تئاتر کودک در بستر سیستم آموزشی کشور می باشد که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام یافته است. نتایج بررسی حاکی از آن بود که چالش‌هایی نظیر کمبود پژوهش، تولید اندک متون نمایشی و کمبود سالن‌های نمایشی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان وجود دارد که باید یک سازوکار معین و برنامه‌ریزی شده برای آموزش در حوزه تئاتر کودک و نوجوان وجود داشته باشد و این امر نیز مستلزم ایجاد تحول، پیشرفت و توسعه در سه حوزه پژوهش، تولید و آموزش می باشد.

**واژگان کلیدی:** تئاتر کودک و نوجوان، چالش، پژوهش، تولید، آموزش

## مقدمه

کودکان از همان بدو تولد برای معنا بخشیدن به جهان پیرامون خود و ارتباط با محیط از حرکات نمایشی بهره می برند. آنان محیط اطرافشان را مشاهده کرده، بدان پاسخ می دهند و از کلمات و اعمال بزرگترها تقلید می کنند. این بازیگران کوچک خود به خلق موقعیت دست می زنند و نقش ها را به سایرین نیز تفویض می کنند. آنان با همسالانشان بده بستان کلامی و عاطفی دارند و فضاها و ابزارها را می چینند تا داستان هایشان را صورت تحقق بخشند. آنان یکدیگر را رهبری می کنند تا نمایشی را سامان دهند و به نمایش یکدیگر گوش می سپارند. به عبارت ساده تر، کودکان با توانایی های بالقوه شان برای نمایشنامه نویسی، بازیگری، طراحی، کارگردانی و تماشاجی گری به مدرسه قدم می گذارند.

در تئاتر کودکان، عروسک ها به عنوان واسطه بین هنرمند و کودکان عمل می کنند. آنها یک "فضای امن" برای هر دو طرف درگیر ایجاد می کنند که در آن می توانند ارتباط برقرار کرده و احساسات خود را بیان کنند. در واقع، عروسک ها ابزار ارتباط همدلانه می شوند.

نتایج مطالعات ریچارد بارت و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) نشان داد که تئاتر کاربردی در اطفال می تواند کودکان را در طول درمان با آموزش و یادگیری در بیمارستان درگیر کند. بهبود مدیریت احساسات؛ به آنها کمک می کند تا آرام شوند و با دنیای خارج ارتباط برقرار کنند.

کارت و سیمونز (۲۰۱۴) معتقدند که کودکان همیشه واژگان لازم برای انتقال احساسات به بزرگسالان را ندارند. گاهی اوقات آنقدر می ترسند که احساسات خود را به دیگران نگویند، بنابراین، بهترین راه برای کاهش ترس آنها شناخت و برقراری ارتباط با آنها است.

تئاتر کودک و نوجوان از قدمت بسیاری زیادی برخوردار نیست. در اواخر قرن هجدهم پدید آمده است و تا قرن بیستم از اصول و قواعد خاصی برخوردار نبوده است. نخستین بار در عصر الیزابت در قرن شانزدهم میلادی در انگلستان مطرح می شود، اما چندان رشد نمی یابد. تا آنکه در قرن نوزدهم میلادی بزرگسالان به اجرای نمایش کودکان علاقه مند می شوند و نخستین متونی را که مورد استفاده قرار می دهند، افسانه هاست. تئاتر کودکان و نوجوانان کم کم مسیر خود را می یابد و رشد می کند و با وجود گسترش رسانه ها و تفریحات گوناگون و جذابیت های دیگری که برای این گروه سنی ایجاد می شود، باز هم تئاتر جایگاه خود را حفظ می کند.

تئاتر کودک و نوجوان در ایران، حدود نیم قرن پیش و توسط زنده یاد جبار باغچه بان بنیان گذاری شد. وی اولین نویسنده و کارگردان تئاتر کودک و نوجوان در ایران و موسس رشته تئاتر کودک و نوجوان در دانشگاه بود. تلاش های مختلفی صورت گرفته تا آموزش کودکان با تئاتر هموار گردد تا زمینه ارتباط کودکان با دنیای پیرامونی خود مستحکم گردد. در این زمینه، باغچه بان نیز با راه اندازی مدارس، تالیف کتب درسی، ابداع ابزارهای آموزشی، راه اندازی مراکز مردم نهاد و دیدن و شنیدن صدای کودکان و نوجوانان و اطفال کرولال این سرزمین، خدمات شایسته ای در این زمینه انجام داده است. با این حال در حال حاضر، چالشهای مختلفی پیش روی تئاتر کودک در بستر آموزشی کشور وجود دارد که نیازمند بررسی می باشد.

<sup>1</sup> - Richard Burnett et all

## تئاتر کودک

تئاتر یا نمایش، بیان مشکلات مردم و مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه با استفاده از فن بیان می‌باشد. تئاتر، تقلید یا نمایشی از زندگی است که برای سایرین اجرا می‌شود و در هر فرهنگ و هر دوره ای نیز وجود داشته و دارد. گرچه غالباً به دنیای خیالی و قراردادی تئاتر به دیده یک سرگرمی صرف می‌نگرند، اما این ابزار یکی از اولین راه‌هایی است که کودکان به واسطه آن درباره زندگی، اعمال و نتایج رفتارها، سنن و باورها، دیگران و خودشان چیز می‌آموزند. تحقیقات در زمینه فعالیت‌های هنری، مانند تئاتر کنار تخت و عروسک گردان در مراقبت‌های بهداشتی، نشان داد که آنها کودکان را از درد دور می‌کنند و تأثیر مثبتی بر آنها دارند. این شامل کاهش استرس و بهبود رفاه روانی و فیزیولوژیکی در محیط بیمارستان است (آستلیس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

نمایش نوعی واکنش به کنش‌های زندگی است، حال اگر امروزه از این ابزار استفاده‌ای کاربردی در جهت آموزش، تعلیم و تربیت و تفریح و لذت هدفمند بهره می‌برند، باید به اهمیت بسیار گسترده و مهم این هنر تقلیدی و خلاقانه پی برد. اصولاً ریشه نمایش در کودکی، بازی است. آن‌هم نه برای یادگیری و تعلیم و تربیت، بلکه کودک بازی می‌کند تا لذت ببرد، تا انرژی نهفته خود را به نوعی تخلیه کند. اما در پروسه این بازی است که کودک راه به ارتباطات اجتماعی و آماده شدن برای نوعی شراکت در جامعه می‌گشاید. بنابراین لازم است که ابتدا به نقش بازی در تکوین شخصیت و منش کودکان بپردازیم. بازی‌های نمایشی به مقتضای سن و احتیاجات آدمی و موقعیت اجتماعی وی متغیر است. بازی‌های متنوع مخصوص کودکان هر یک بنا به کیفیت و چگونگی خود بر روح و روان کودکان اثر می‌گذارند. هر گاه کودک در ضمن بازی خود را در نقش اشخاصی غیر از خود تصور می‌کند، مثال سعی در تقلید رفتار پدر، مادر، ورزشکار و... دارد، تجربه‌های نوینی را به دست می‌آورد و اتکا به نفس خویش را تقویت می‌کند (محمدی، ۱۳۹۹).

خلاقیت کودکان و نوجوانان در نمایش نمود می‌یابد و با ورود این هنر به درون مدارس می‌توان استعداد‌های آنها را نیز شکوفا کرد. هنر کودکان در محیط هنری مقام نامشخصی دارد ولی با این وجود نمی‌توان منکر هنر کودکان شد. بنابراین لازم است که در جهت رشد، شکوفایی و باروری هرچه بیشتر کودک و نوجوان و در راستای اهداف آموزشی و تربیتی گام‌های موثری برداشته شود.

## تئاتر و آموزش کودک

گرچه برنامه‌های اجرای تئاتر در بسیاری از مدارس ابتدایی و راهنمایی سطح کشور وجود دارند، تنها معدودی قادر به درک اهمیت و قدرت درام در زندگی و آموزش هستند.

دانش آموزان در هر کلاسی می‌توانند مدعیان نیرو نویدبخش آینده تئاتر امروز باشند. ما مجبور نیستیم منتظر تجهیزات و امکانات گران قیمت باشیم. با دادن شانس خلق نمایشنامه به کودکان و تماشای نمایش‌های سایرین، آنان می‌توانند به جهان گذشته، حال و آینده و حد‌نهایی دنیای مجازی خیال سفر کنند. دانش آموزان به صورت غریزی به توانایی‌ها و قوه تخیل برای رفتن در قالب دیگران مجهز بوده و قادر هستند که حین کشف واقعیت‌های پیچیده و امکانات نامحدود جهان اطرافشان، به فهم و درک انسان‌های پیرامونشان نایل آیند.

آموزش تئاتر در دبستان منوط به داشتن یک درام خلاق است، فرم قاعده‌مندی از همان وانمودن‌های کودکانه که در نمایشنامه به مثابه یک فرآیند طبیعی و رو به رشد سازماندهی می‌شود. آموزگار توانا می‌تواند درام‌اتیزه کردن‌های فی‌البداهه را بر داستان‌ها و مفاهیم برگرفته از ادبیات، تاریخ، وقایع معاصر و تخیلات دانش آموزان استوار کند.

معمولاً آموزش خلاقانه درام با آماده‌سازی اذهان و ایجاد انگیزه آغاز می‌شود. آموزگار داستانی تعریف کرده یا ایده‌ای ارائه می‌دهد، سپس دانش آموزان درباره کنش‌های نمایش، تقسیم بندی نقش‌ها، و این که فضای کلاس چگونه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به بحث می‌پردازند. از زمانی که برنامه ریزی صورت گرفت، دانش آموزان نمایشنامه را چه به صورت بخش‌بخش و

<sup>1</sup> - Astles

چه به صورت کامل، بازی می کنند. آنان پس از تحلیل و ارزیابی هرنمایشنامه، ممکن است هر صحنه را یک یا دو بار با پیرایش و یا افزایش حجم آن تکرار کنند.

درام خلاق به عنوان بخش کاملی از برنامه تئاتر، می تواند در مقطع راهنمایی نیز ادامه یابد که معمولاً به صورت فی البداهه برگزار می شود. همچنان که دانش آموزان ارتباطشان را اصلاح کرده و بر تفسیر و اجرای متون نمایشی تمرکز می کنند، فرآیند یادگیری مشاهده، خلق و ارزیابی شان پیچیده و دورنما می یابد.

### فواید آموزش تئاتر برای کودکان

تئاتر می تواند بهترین ابزار برای فعال و سلامت نگه داشتن کودکان باشد، می تواند احساس اعتماد به نفس و توانایی سخن گفتن در جمع را افزایش داده و مکانی برای تمرین خلاقیت به وجود بیاورد.

معمولاً والدین درباره فواید ورزش های گروهی چیزهایی می شنوند، اما کلاس های تئاتر و تولیدات نمایشی مزایایی همچون افزایش آرامش هنگام صحبت در جمع، عزت نفس بیشتر، اعتماد به کارهای گروهی و گشودن روزنه مثبتی که به کودکان کمک کند تا یاد بگیرند که چگونه مشکلاتشان را به شیوه های خلاقانه و غیر معمول حل کنند به همراه دارند که در هیچ برنامه ورزشی یافت نمی شوند.

هر فرد به مکانی احتیاج دارد که به آن تعلق خاطر داشته و احساس کند که در آنجا کاملاً می تواند خودش باشد. برای کودکان درونگراتر که در فعالیت های گروهی مانند برنامه های سازمان یافته ورزشی قاطعیت لازم یا توان جسمانی کافی را ندارند، تئاتر می تواند گزینه مناسبی برای کسب اعتماد به نفس در سنین پایین تر باشد. بازی در یک نمایش یا در آغاز تنها نگرستن به نمایش سایر کودکان، شیوه های جدید ارتباط با گروه همسالان و پرورش شناخت خویشتن حین کار گروهی، اعتماد به یکدیگر و مهمتر از همه احساس خواسته شدن کودک هدیه می کند.

جو مثبت کشف استعداد های غریزی در حین یادگیری نحوه کار با سایر کودکان به شیوه ای مفید و خلاق می تواند قدم مثبتی برای افزایش عزت نفس یک کودک بوده و همچنین به شکل بنیادینی موفقیت آنان در مدرسه و زندگی خانوادگی را تضمین کند. بنا به نظر "آنتونی هوبرت" - بنیانگذار تئاتر راکی مونتین- کودکی که به کار تئاتر اشتغال می ورزد، در پیشرفت کامل یک ذهن جوان شرکت می کند. چنانچه فردی از همان سنین کودکی بیاموزد که از لحاظ احساسی آمادگی لازم را کسب کند، می تواند شرکت کننده فعال گروهی باشد که همان جهان است. تجربه تئاتر سخنوری در جمع را جذاب می کند.

ایستادن در صحنه و خواندن خطوط مشخص برای تمرین توانایی های سخنوری در جمع سودمند است، اما نکته ظریف مسئله در اینجا است که کودک نهایتاً این توانایی را برای دفاع از خود و بیان بهتر خویش به کار خواهد بست. فواید توانایی صحبت کردن با بزرگسالان به نحوه شایسته در جمع و در کلاس قابل توجه است. بچه هایی که هنر سخنوری در جمع را به شیوه ای قاعده مند (تئاتر) تمرین می کنند، یاد می گیرند که در دنیای واقعی نیز به همین شکل رفتار نمایند. پیش از آن که ترس ضعیف کننده ای که بیشتر بزرگسالان هنگام صحبت در مقابل جمع دارند، شانس آن را بیابد تا کاملاً آنان را در بر بگیرد.

ثبت نام کودک در دوره یا انجمن هنرهای نمایشی روش موثری است برای آموزش چیزهای ساده ای همچون تقویت صوت، حافظه، مدیریت ترس از صحنه و استفاده از چیزها به مثابه ابزار صحنه و افزایش تخیل برای قدرت بخشیدن به نیروی کلمات، این تمرین در واقع به موفقیت های بیشتر در مدرسه و افزایش توانمندی برای تصدی ریاست در فعالیت های دیگر همچون ورزش های گروهی منجر خواهد شد.

در تولیدات نمایشی بارقه های خلاقیت کودکان آزاد می شود. آلبرت انیشتن در جایی می گوید: "ابتکار مهم تر از دانش است." درست همانند هر مهارت دیگری، بر روی قوه ابتکار نیز باید کار کرد تا به توانایی حل مشکل، که در محیط های کار قرن بیست و یک مورد نیاز است، بدل شود. غالباً شیوه های سنتی آموزشی، کودکان را در چهارچوب قرار می دهند. تئاتر به کودکان کمک می کند که ورای این چهارچوب ها زندگی کرده و به خاطرش مورد تحسین قرار بگیرند و همچنین راه خوبی برای به کار بستن توانایی های خلاقه شان در حل مشکلات، نشانشان می دهد.

پرورش خلاقیت حتی برای کودکانی که در ورزش های گروهی نیز موفقند، اهمیت دارد. به غیر از بازی و خواندن، تئاتر راههای زیادی برای کشف خلاقیت – همچون ساختن و رنگ آمیزی صحنه، طراحی لباس، طراحی نور و صدا، نمایشنامه‌نویسی، ساخت موسیقی، و... پیش پای کودک می‌گذارد.

سیدنی وریان صاحب و کارگردان تئاتر "ستارگان جوان" شعارش این است که من هرروز یکی از کارهایی را انجام خواهم داد که از آن می‌ترسم. "کودکان باید ریسک کنند تا رشد یابند." او توضیح می‌دهد: "این همان چیزی است که در کلاسهای من پرورش می‌یابد. کودکان پیش از نمایش نزد من می‌آیند و می‌گویند که ترسیده‌اند. من جواب می‌دهم عالیست، حالا آن انرژی مفرح را بگیرد و یک کار بزرگ با آن انجام دهید.

آموزش تئاتر محل امنی برای تمرین خلاقیت و انجام ریسک های شخصی برای کودکان فراهم آورده و باصدور مجوز به آنان برای ابزار وجود درمقابل جمع، اعتمادبه نفسشان را چه بر روی صحنه و چه در روابط روزمره، تقویت می‌کند.

کارکرد تحصیلی کودکان در اثر نمایش، افزایش می‌یابد. نتایج تحصیلی بسیاری از دانش آموزان ارتباط معناداری را میان اشتغال به تئاتر و پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد. دانش آموزانی که به این هنر می‌پردازند، به غیر از کسب نمرات بهتر به نسبت همکلاسی هایشان غالباً توانایی بالاتری در خواندن از خود به نمایش گذاشته، حضور ذهنشان را از دست نداده و برخلاف همتایان خود، عموماً بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند.

همچنین مطالعات نشان می‌دهند که نه تنها اجرای یک داستان و تعدادی فعالیت های نمایشی دیگر در کلاس به فهم دانش آموز از اثری که اجرا می‌شود، کمک می‌کند، بلکه این تجربیات به آنان درک بهتری نیز از آثار ادبی دیگر و همچنین از زبان و به طور کلی از نحوه بیان می‌دهد.

### چالش های پیش روی تئاتر کودکان

در بستر توسعه آموزشی و رونق تئاتر کودکان با این که مشکلات زیادی وجود دارد، اما از کلاس درس باغچه‌بان نکات مهمی آموختنی است. داستان توسعه نیز چنین است. توسعه نیز به رسم طبیعت راه خودش را خواهد پیمود. انحلال باغچه اطفال، کارشکنی مسئولین در نپرداختن به مسائل دبستان، عدم مشارکت عامه مردم و عدم علاقه مندی آن ها به سپردن فرزندانشان به کودکانستان، مشکلات مالی و چالش های پی در پی اقتصادی، بیماری های طاقت فرسا، جنگ و قحطی، دزدی و چپاول اموال شخصی، عدم درک و عدم همراهی مردم و مسئولین در پیش بردن ایده ها و اهداف تشکل های مردم نهاد راه اندازی شده از سوی باغچه بان، در اختیار نداشتن هر نوع ابزار و تجهیزات برای تدریس و یادگیری، همه و همه، فقط بخشی از مشکلات و چالش های باغچه بان بوده است. این مشکلات و معطلات نه تنها باغچه بان را از تحقق بخشیدن به آرمان خویش باز نمی‌دارد، که وی در هر مرحله و با هر اتفاق ناگوار، انرژی و توان بیشتری پیدا می‌کند تا راه آرزوهایش را بپیماید و در ایران نامش را به عنوان بنیان‌گذار نخستین کودکانستان، نخستین مدرسه ناسنویان و اولین مؤلف و ناشر کتاب کودک جاویدان و ماندگار نماید.

با این همه، متأسفانه در ایران پیشرفت تئاتر کودک و نوجوان همسو با دنیا نیست. زیرا سازمانی که متولی این امر باشد در کشور وجود ندارد و به تناسب اهمیت و ضرورت نقش کودک و نوجوان در ساختار جامعه از لحاظ پژوهش علمی و تحقیقاتی شکل نگرفته است و این باعث شده که رخدادهای جهان پیرامون ما ناشی از تحقیقات و پژوهش‌ها همواره از رسانه‌های شنیداری و نه دیداری و بخصوص هنر نمایش بی بهره بماند.

فرهنگ و سنت ایرانی که در قالب بازی‌های کودکان و نوجوانان می‌توانستند در تربیت و باورپذیری و حتی مسئولیت پذیری کودکان و نوجوانان نقش بسزایی داشته باشند، متأسفانه رو به نابودی گذاشته شده‌اند و ما نه تنها جایگزین مناسبی برای آن‌ها ایجاد نکرده‌ایم که کودک را با ذهنی متفاوت، متغیر و بیگانه با فرهنگ و سنت و حتی ملیت خود حرکت داده‌ایم و رسانه‌های تصویری نیز در جهت ناباوری و نداشتن اعتماد به نفس و حتی در پاره ای از موارد، بیگانه سازی کودک از فرهنگ و اصالت، گام بر می‌دارند و نقش کودک در این رسانه‌ها را بسیار کمرنگ و گاهی بی رنگ می‌بینیم. در صورتی که رسانه‌های تصویری که می‌توانند جایگاه بسیار رفیع و مطمئن و نقش بسزایی در تاثیرگذاری فرهنگ و تعلیم و تربیت داشته باشند، در جهت خلاف حرکت می‌کنند.

نمایش کودک، نقش ارزنده ای در آموزش شیوه زندگی فردی و رفتار اجتماعی و آموزشی و قانون و مقررات آموزش و پرورش، آموزش اخلاق، تبدیل خواسته‌ها و عقده گشایی‌ها و ایجاد عادات مفید دارد. نمایش به کودک می‌آموزد که زندگی همیشه بُردن نیست بلکه برخی اوقات با باخت همراه است. پس نباید دلسرد شود بلکه باید حرکت کند و فعالیت تازه تری از خود بروز دهد. در حال حاضر بسیاری نگرش‌ها در نمایش کودکان به وسیله بزرگ‌ترها به آن‌ها تحمیل می‌شود که این نوع بینش‌ها هیچ رابطه ای با شخصیت درونی کودک ندارد و بدین جهت رفتن به سراغ نمایش کودک جز با شناخت دانش روانکاو و روانشناختی نتیجه زیانباری در جامعه به جای می‌گذارد.

والدین نیز در خانه به هنر به عنوان یک سرگرمی و یا گذراندن اوقات فراغت کودکان خود نگاه می‌کنند و به ارزش و اهمیت آن توجه ندارند. اگر نمایش در مدارس به اندازه درس‌های دیگر اهمیت داشت یا والدین در خانه به آن اهمیت می‌دادند نه تنها به پیشرفت کودکان در همه زمینه‌ها کمک می‌کرد بلکه باعث تقویت دروس دیگر نیز می‌شد. بررسی تئاتر و درک آن باعث انعکاس نیازها، رشد تفکر و به دست آوردن تجربه‌های بسیاری می‌شود. تئاتر کودک به ما کمک می‌کند به درون خلوت آن‌ها راه پیدا کنیم و از احساسات و نیازها و کمبودهایشان آگاه شویم تا بهتر بتوانیم برای رفع نیازها و بروز صحیح احساساتشان برنامه ریزی کنیم و به درک و ارزیابی کودکان از مسائل محیط اطراف و اطرافیانشان پی ببریم. با آگاهی از چگونگی تفکر کودکان می‌توانیم بستری برای رشد و پرورش خلاقیت آن‌ها آماده کنیم. می‌توانیم به کشمکش‌ها و دلهره‌های درونی کودکان پی برده و با شناخت علت آن‌ها تلاش کنیم، با رفع آن به کودکان خود کمک کنیم. آن‌ها وقتی دلهره‌هایشان را پس از دیدن یک نمایش به ما منتقل می‌کنند احساس آرامش و راحتی بیشتری می‌کنند.

آموزش‌های تربیتی و ارزشی و حتی آموزش‌های درسی در نظام آموزش و پرورش با کمک از روش‌های غیرمستقیم همچون اجرای نمایش به ویژه تئاتر کودک و نوجوان تدبیری است که همچنان در استفاده از آن کم کاری شده است. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر وزارتخانه‌های مربوطه، با کارکرد آموزشی و پرورشی تئاتر برای کودکان آشنایی کمی دارند و باید این کوتاهی به سرعت برطرف شود.

خلق آثار نمایشی در حوزه کودک و نوجوان باید با توجه به نیازها، خواسته و شرایط بومی هر منطقه باشد تا تأثیرات القای مفاهیم ارزشی این آثار هنری نهادینه تر و عمیق تر شود. تئاتر کودک و نوجوان باید به عنوان جایگزینی برای سخنرانی‌های خشک و مستقیم، وارد مدارس آموزش و پرورش شود و در این راستا دانش آموزان بتوانند ضمن آشنایی، در نمایش حضور داشته باشند.

مشکل و منشا اصلی تئاتر کشو، آموزش است و آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش باید بپذیرد آموختن فرهنگ، یک وظیفه است. آموزش و پرورش همان گونه که در رشته‌های انسانی، تجربی، کار و دانش با به کارگیری متخصصان به آموزش می‌پردازد، باید با جذب متخصصان هنر در رشته‌های هنری از جمله تئاتر نیز آموزش ارائه دهد. در حال حاضر، آموزش در هنر نیازمند بازتعریف و بازسازی است اکنون به دلیل نبود مدیریت، تئاتر به خوبی تدریس نمی‌شود بطوری که هنرمندان نیز بدلیل فقدان احساس نیاز، رغبتی به آموزش ندارند.

### پیشنهادهای بهبود تئاتر کودک

مربی، باید بچه‌ها را دایره وارگردآورده از آنان سؤال کند که درباره تئاتر چه می‌دانند و چگونه فکر می‌کنند؟ مربی به گرد دایره بچرخد و از هر کودک بخواهد که چند دقیقه درباره مفهومی که تئاتر برایش در بردارد، صحبت کند. این به مربی کمک می‌کند بداند که کودکان به طور اخص به چه چیزی برای یادگیری احتیاج دارند؟

مربی، نام کاراکترهایی که معمولاً کودکان می‌شناسند را بنویسد و آن‌ها را در درون یک کلاه بریزد تا آن‌ها از میانش به صورت اتفاقی بردارند. مربی به آنان زمان دهد تا تمرین کرده و اجازه دهد تا در مقابل گروه اجرا کنند. این به هر کودک فرصت می‌دهد تا برای لحظاتی به جای یکی از کاراکترها باشد. این تمرین ساده به همه ی شرکت کنندگان شانس لمس نزدیک تماشاچی را می‌دهد.

مربی، نمایش کوتاهی انتخاب کند تا کودکان برای والدینشان اجرا کنند. مربی نقش را میانشان تقسیم کند. درآماده سازی لباس و گزینش موارد مناسب به آنان کمک کند. ابزار آلات صحنه را مختصر بگیرد چراکه ممکن است همه والدین از عهده مخارج آن بر نیایند.

مربی، کل زمان یک کلاس را صرف کارکردن با کودکان بر روی آماده سازی صحنه نمایش کند. آموزش تئاتر به کودکان مواردی غیر از بازیگری را نیز شامل می شود. دست و پنجه نرم کردن با کلیه مراحل آماده سازی یک نمایش، خود یک دوره آموزشی تمام و کمال است.

### نتیجه گیری

باغچه بان مدرسه را مکانی برای زیستن تعریف کرده بود، و بر همین اساس توجه و تأمل در برنامه های درسی و سازو کارهای آموزشی وی گویایی این است که محتوای درسی و روش های تدریس وی نیز از خود زندگی گرفته شده بود. توجه همه جانبه به ادبیات کودکان، اولویت دادن به فعالیت های مشارکتی دانش آموزان؛ در نظر گرفتن اقتضائات زندگی والدین، نیازسنجی آموزشی، چشم امید نداشتن به وعده های مقامات دولتی، جلب مشارکت دغدغه مندان برای تشکیل سازمان های مردم نهاد، اجرای آزمایشی برنامه های آموزشی در مقیاس های کوچک، عدم هم رنگی با اجتماع، داشتن نگاه بلندمدت به برنامه های آموزشی، در اولویت قرار ندادن منافع شخصی و اقتصادی و توکل و ایمان قلبی در پیمودن مسیر، حداقل درس هایی است که می توان از مکتب باغچه بان آموخت و در جهت رونق تئاتر کودکان بکار بست.

با این حال، چالش هایی نظیر کمبود پژوهش، تولید اندک متون نمایشی و کمبود سالن های نمایشی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان نیز وجود دارد که باید یک سازوکار معین و برنامه ریزی شده برای آموزش در حوزه تئاتر کودک و نوجوان وجود داشته باشد و این امر نیز مستلزم ایجاد تحول، پیشرفت و توسعه در سه حوزه پژوهش، تولید و آموزش می باشد.

### منابع

۱. روزنبرگ، هلنا. (۱۳۸۸). کارگردانی تئاتر کودک و نوجوان، مترجم: فاطمه حسینی، تهران، انتشارات: نمایش.
۲. وود، دیوید؛ سرهنگی، مجید و گرانت، جانت. (۱۳۸۶). تئاتر برای بچه ها، مترجمان: رکسانا شاه جانی، سیدحسین فدایی حسین، تهران، انتشارات: نمایش.
۳. محمدی، احسان الله. (۱۳۹۹). جایگاه هنر در عرصه تعلیم و تربیت، رشد آموزش ابتدایی، دوره بیست و سوم، شماره ۷، فروردین ماه.
4. Astles, C.( 2020). "Walk in/Walk as my Shoes: Puppetry and Prosocial Empathy in Healthcare." *Journal of Applied Arts & Health* 11 (1&2): 29-47.
5. Carter, B., and J. Simons.(2014). *Stories of Children's Pain: Linking Evidence to Practice*. London: SAGE.
6. Richard Burnett, Milton Gray, Margaret Brenman.(2021). *Theatre in paediatrics: can participatory performance mitigate educational, emotional and social consequences of missing out school during hospitalisation?*, *Research in Drama Education: The Journal of Applied Theatre and Performance*



## Abstract

Today, visual, visual and dramatic images such as theater are effective in increasing social skills and improving children's learning performance. On the other hand, despite the fact that children's and adolescent theater is a very important category in terms of the education of this age group and is very important in the growth and education of children; But unfortunately, not much attention has been paid to it and in fact it has been neglected. Therefore, the purpose of this research is to examine the challenges of children's theater in the context of the country's educational system, which was carried out using library studies. The results of the survey indicated that there are challenges such as the lack of research, the production of few theatrical texts and the lack of theaters in the field of children's and teenagers' theater, that there should be a specific and planned mechanism for training in the field of children's and teenagers' theater and this It also requires transformation, progress and development in the three areas of research, production and education.

**Key words:** children and youth theater, challenge, research, production, education